



## شرایط اجرای تعهد از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر قانون مدنی اصلاحی فرانسه مصوب ۲۰۱۶

کامل حمید<sup>۱</sup>، دکتر احمد یوسفی صادقلو<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

۲- استادیار؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

### چکیده

مطابق «اصل نسبی بودن قراردادها»، توافقات خصوصی اشخاص فقط میان خویشان مؤثر است و علی الاصول برای اشخاص ثالث خارج از قرارداد، نه حق و نه تکلیف ایجاد نمی کند. با این وجود، به جهت اهمیت تعهدات ناشی از قراردادها، قانونگذاران داخلی بسیاری از کشورها، نهادی را پیش بینی کرده اند تا هرگاه متعهد به تعهد خویش عمل ننمود، شخص یا اشخاص خارج از قرارداد، با حصول شرایطی، قادر به ایفای تعهد به جای شخص متعهد باشند. قانونگذار ما در ماده ۲۳۸ ق.م. با تأسی از قانونگذار فرانسه (ماده ۱۱۴۴ ق.م. سابق «ماده ۱۲۲۲ ق.م. کنونی») به این مهم اشاره نموده است. علاوه بر این، در ماده (۴۷) ق.ا.م. نیز بشکل دقیق تری به ایفای تعهدات قراردادی از سوی ثالث تأکید شده است. مطابق این تقریر، هرگاه متعهد، نقض عهده نماید، متعهدله (ذینفع تعهد) می تواند خود شخصاً یا توسط ثالث که در قرارداد نفع و ستمی نداشته است، با اقامه دعوی حقوقی (الزام به ایفای تعهد) و با اخذ مجوز قضایی و با صرف هزینه های اجراء، موضوع تعهد را اجراء و سپس از متعهد، هزینه های اجرایی را مطالبه نماید. در این مقاله که به روش کتابخانه ای و با مراجعه به مواد مرتبط با این نهاد در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه گردآوری شده است (مواد ۲۲۲، ۲۲۸ و ۲۳۱ ق.م.ا. و ماده ۴۷ ق.ا.م. و مواد ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۶۵ و ۱۲۳۶ ق.م.ف. سابق و مواد ۱۱۰۱، ۱۱۵۲ و ۱۲۲۲ ق.م.ف. کنونی) به این نتیجه خواهیم رسید که ایفای تعهد از سوی شخص ثالث، ماهیتاً «سقوط تعهد» بوده و موجب برائت ذمه متعهد از ایفای اصل تعهد خواهد بود (ماده ۲۶۴ ق.م.ا.) اما به موازات همین سقوط تعهد، موجب اشتغال ذمه وی در قبال هزینه های اجرای تعهد خواهد بود؛ ضمن آنکه ایفای تعهد از سوی ثالث دارای آثار دیگری همچون «آزادی تضمین های متعهد» (به جهت سقوط تعهد اصلی) و «توقف محاسبه خسارت تأخیر انجام تعهد» خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** تعهدات قراردادی، متعهد، متعهدله، اجرای تعهد، نقض تعهد، اجرای ثالث، الزام متعهد



## ۱- مقدمه

از دیرباز، بشر به دنبال راهکاری بود که بتواند هموعان خویش را پایبند و ملزم به آنچه توافق می کنند، بگرداند. شاید به همین سبب بوده است که از گذشته های بسیار دور تا کنون، در قول و کردار اندیشمندان و علمای ملل مختلف و حتی در آموزه های دینی (مانند آیه ۲۸۲ سوره بقره) همواره تأکید بر کتابت و التزام به عهدها و توافقه شده است. البته توافقات اولیه زندگی انسانها به مثابه تعهدات امروزی نبوده اند، اما رفته رفته مضامین و شکلی جدید به خود گرفتند که بسیار شبیه به آنچه که امروزه از آنها تحت عنوان «حقوق تعهدات» سخن می گوئیم در آمدند. از جمله مهمترین مسائلی که پس از پیدایش خط و کتابت و پس از آن، «انعقاد قراردادها» و «سندنویسی» واجد اهمیت و جایگاه والایی در مراودات اجتماعی و اقتصادی بشر گردید، مسأله «تعهدات»<sup>۱</sup> بوده است. شاید در ابتدا «تعهد» (جمع آن «تعهدات» یا به به لفظ صحیحتری «تعهدها») در معنای «ایفای دین» (پولی) بوده است اما امروزه دیگر چنین نیست و گستره کاملتری به ایفای تعهدات وارد شده است.<sup>۲</sup> در واقع، آنچه طرفین یک رابطه قراردادی، مقصود و مطلوب خویش می پندارند، دستیابی به نتیجه ای است که منافع و مصالح هر دو را تضمین می کند و در

<sup>۱</sup> - واژه «تعهد» در فرهنگ های لغت انگلیسی چنین تعریف شده است: «عمل یا اقدامی که شخص از نظر اخلاقی یا قانونی به آن ملزم است؛ به عنوان یک وظیفه یا تعهد».

An act or course of action to which a person is morally or legally bound; a duty or commitment.

در متون قانونی کشور فرانسه، بدون ارائه تعریف از واژه «تعهد» (Obligation) گفته شده است: «تعهدات از اعمال حقوقی، وقایع حقوقی و یا به صرف تجویز قانون به وجود می آیند» (ماده ۱ قانون تعهدات فرانسه، اصلاحی مصوب ۲۰۱۶ میلادی). البته با امعان نظر در رویه قضایی کشور فرانسه و کتب حقوقی می توان تعریف ذیل را از واژه «تعهد» (تا پیش از تصویب و اجرایی شدن قانون فعلی تعهدات) اظهار داشت: «هرگونه الزام و التزامی که شخص را به انجام یا ترک عملی باز دارد».

Ce qui contraint une personne à donner, à faire ou à ne pas faire qqch.

البته بیشتر حقوقدانان فرانسه در تعریف تعهد از ترکیب واژگان Contracter une Obligation Juridique به معنای تعهد قانونی داشته باشد استفاده می کنند که به نظر می تواند ناظر به تعهداتی باشد که ناشی از قرارداد یا به حکم قانون باشند.

<sup>۲</sup> - شاید به این جهت است که امروزه قاطبه حقوقدانان، بر این باور هستند که: «ایفای دین، همان وفای به عهد است و در واقع، ایفای دین، چیزی جز عمل به مضمون تعهد نخواهد بود». یکی از نویسندگان حقوقی در این زمینه چنین گفته است: «وفای به عهد یا اجرای تعهد که همان ایفای دین است، معمولی ترین وسیله سقوط تعهد است» (شهیدی، ۱۳۷۵: ۲۰). نویسنده دیگری با وجود عدم تعریف از «ایفای تعهد» و «دین» در سخن خویش، از واژه «مدیون» به جای «متعهد» در باب اجرای تعهداتی غیر پولی سخن رفته است و ایشان را (منظور مدیون است) «مسئول اجرای تعهد» قلمداد نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۳۴۲ به نقل از: دهقان دهنوی و سلطانی، ۱۳۹۷: ۴۱۴). این نویسنده در جای دیگر و در حاشیه ماده (۲۲۲) قانون مدنی، از جمله «مباشرت مدیون در انجام دادن شرط (قراردادی)» نام برده است که نشان از تعمیم لفظ «مدیون» و «دین» به «متعهد» و «تعهد» خواهد بود. نک. به: کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ چهلم، ویرایش پنجم، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ص ۲۱۲. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. به: کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، «دوره حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها»، جلد چهارم، چاپ نهم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، شماره ۷۴۸، همچنین، ر.ک. به: حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۴)، «اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ذیل ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی.



عالم اعتبار نیز چنین غایتی جزء این مُراد آنها نبوده است که البته این مهم هم جزء با «اجرای کامل تعهدات از سوی طرفین» (exécution intégrale des obligations par les parties) محقق نخواهد شد. اما پرسش این است اگر که یکی از طرفین در این رهگذر به تعهدات خویش وفاء نکرد، تکلیف چیست؟. این پرسش زمانی اهمیت دوچندان پیدا خواهد کرد که یکی از طرفین متعهد به انجام عمل (فعل) یا عدم انجام عمل (ترك فعل) خواهد بود. واضح است که در این رابطه، چون انجام یا عدم انجام کاری (شرط فعل) علت غایی انعقاد قرارداد و مبنای اساسی توافق را تشکیل می دهد، لذا ممکن است خسارتهای بسیاری به طرف دیگر (متعهدله) وارد آید. با لحاظ چنین درجه اهمیتی از «اجرای مفاد قرارداد» (exécution des dispositions du contrat) قانونگذار ما با الهام از ماده (۱۱۴۴) قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) و در ماده (۲۲۲) قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷) چنین مقرر داشته است: «در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدله می تواند با اجازه دادگاه، شخصاً عمل را انجام داده و هزینه آن را از متعهد دریافت دارد». هر چند که در این ماده، ایفای تعهد از جانب شخص متعهدله منوط به تحقق شرایطی شده است (مانند اجازه دادگاه و صرف هزینه های اجرای تعهد و البته احراز نقض قرارداد توسط متعهد) اما ابهامی که وجود دارد این است که اگر شخص «متعهدله» (Engagé) خود نتواند موضوع مورد توافق (تعهد قراردادی) را اجراء نماید تکلیف چیست؟ در این زمینه، قانونگذار اسلامی ما از این نکته غافل نماند است و با پیش بینی ماده (۲۳۸) (در باب تعهدات)<sup>۳</sup> و بعدها ماده (۵۳۴) (در فصل مربوط به عقد «مزارعه»)<sup>۴</sup> و سپس، تدوین و تصویب اجرای قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ (خصوصاً ماده ۴۷) راهکاری منطقی و منصفانه لحاظ کرده است (با تأسی از قانونگذار فرانسوی در قانون مدنی سابق). مطابق این مواد، هرگاه «متعهدله» توانایی و تخصص لازم جهت انجام عمل مورد نظر را نداشته باشد، می تواند زیر نظر مأمور اجراء، آن عمل را انجام داده و کلیه هزینه های مرتبط با آن را مطالبه نماید<sup>۵</sup> (منظوقاً ماده ۴۷ ق.ا.م. و مفهوماً ماده ۲۳۸ ق.م.). البته مطابق مواد مرقوم، هرگاه موضوع تعهد (فعل مادی) توسط شخص دیگری (غیر از خود متعهد) انجام گیرد، چنین شخصی، «شخص ثالث» (tierce personne) نامیده می شود و غیر از محکوم علیه خواهد بود و در واقع، منصرف از خود متعهد اصلی خواهد بود (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، ۱۳۹۹). در این خصوص، نویسندگان حقوقی همواره بر این نکته تأکید نموده اند که با توجه به اهمیت اجرای مفاد قراردادها در روابط اجتماعی، انجام تعهد از سوی شخص ثالث (به عنوان راهکاری جهت دستیابی به تحقق هدف غایی قراردادها که ایفای تعهدات ضمن آنهاست) همواره می تواند راهکاری مطمئن و قابل تحسین باشد. به عنوان مثال، می توان قراردادی را تصور نمود که فی مابین مالک زمین و سازنده

<sup>۳</sup> - مطابق این ماده: «هر گاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیر مقدور، ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم می تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند».

<sup>۴</sup> - نک. به: امامی، سیدحسن، (۱۳۳۴)، «حقوق مدنی»، جلد دوم، چاپ هیجدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۷۷ به بعد.

<sup>۵</sup> - جهت مطالعه تفصیلی در این زمینه، ر.ک. به: شمس، عبدالله، (۱۳۹۷)، «اجرای احکام»، جلد ۲، چاپ اول، تهران، نشر دراک، ص ۷۱۳ به بعد.



پیمانکار) جهت احداث بنا (ساختمان) منعقد می گردد و مقرر می شود که در مدت دو سال، پیمانکار، زمین موضوع قرارداد را در قالب یک ساختمان هشت طبقه تسلیم نماید. حال اگر پس از مدتی از کار باز ماند و در واقع، از ایفای تعهد خویش سر باز زند، به راستی تکلیف چیست؟ از طرفی، مالک زمین که روزگاری در همان ملک، مأوی گزیده بود، سرپناهی ببری خود داشت، از طرفی هم اکنون مستأجر است و از طرفی نیز، نما و منظره شهرسازی از حیث مدیریت و زیباسازی شهری بر نمی تابد که ساختمان مذکور به حالت نیمه کاره رها گردد. علاوه بر این، استمرار این وضعیت، مسلماً از موجبات مشقت و تنگدستی مالک زمین خواهد بود. لذا پذیرش این نهاد که متعهد می تواند به وسیله شخص ثالث که در این فرض، محتملاً از تخصص و دانش کافی برای ایفای تعهد نیمه کاره متعهد برخوردار است (احداث بنا) کمک گرفته و تعهد ناتمام وی را به سرانجام برساند. به همین مناسبت، در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، در مقررات مشابهی، ضمن پذیرش این نهاد کارا در مقام تسهیل اجرای تعهدات نقض شده از سوی «متعهد»<sup>۶</sup> و با هزینه وی بوده اند و در این خصوص، دست به تفریاتی نیز زده اند. در این مقاله، ما بر آنیم که ضمن تبیین مفهوم «ایفای تعهد از سوی شخص ثالث» (با امعان نظر در مفاهیم جزئی مانند «ایفاء»، «تعهد» و «شخص ثالث»)، به شرایط قانونی اجرای تعهد از سوی شخص ثالث (به جای شخص متعهد) و آثار اجرای تعهد از سوی شخص ثالث (در مرحله پس از ایفای تعهد) خواهیم پرداخت و در پایان سخن، به ارائه جمع بندی مطالب و بیان دستاوردهای پژوهشی حاصل از تحقیق حاضر خواهیم پرداخت.

## ۲- مفهوم و ماهیت حقوقی ایفای دین از سوی ثالث

ایفای دین از جانب شخص ثالث که در ارتباط با این تحقیق، «ایفای تعهد» نامیده می شود، پدیده ای است که در عالم حقوق و روابط اقتصادی و مالی اشخص به وفور اتفاق می افتد. اصولاً در این میان، شخص ثالث نه از روی تکلیف، بلکه از روی احسان و خیرخواهی یا داشتن نفع مشترک با متعهد، مبادرت به ایفای دین (تعهد) به جای متعهد می نماید. همانگونه که قبلاً بیان گردید، ایفای چنین تعهداتی از سوی اشخاص غیر متعامل، اصولاً عملی مجاز تلقی شده و داوری عرف، به پذیرش چنین اقدامی گرایش دارد. بر این اساس، در حقوق ما با الهام از حقوق فرانسه، قانونگذار این اجازه را متعهدله داده است که هرگاه طرف مقابل وی که متعهد است، به ایفای تعهدات خویش پایبند نباشد، با احراز موضوع در دادگاه صالح، خود شخصاً یا به وسیله شخص دیگری که «ثالث» نامیده می شود موضوع مورد تعهد را اجراء نماید. به بیانی ساده، متعهدله یا شخص ثالث، تعهد قراردادی را ایفاء و در نتیجه قرارداد را خاتمه خواهند داد اما کم و کیف این فرآیند، چنین ساده نخواهد بود، بلکه این فرآیند، مستلزم یک اقدام قضایی از سوی متعهدله و صدور حکم مبنی بر محکومیت متعهد خواهد بود که پس از احراز این موضوع، پرونده جهت اجرای مفاد قراردادی، به واحد اجرای احکام مدنی ارجاع خواهد شد. البته این نهاد را نباید با پرداخت

<sup>۶</sup> «به شرط آنکه این تعهدات قائم به شخص متعهد نبوده و همچنین، شرط مباشرت در ایفای آنها نشده باشد». چرا که در تعهدات مباشرتی، برای متعهدله، حق فسخ قرارداد و مطالبه خسارت پیش بینی شده است و الزام به ایفای چنین تعهداتی، وجه قانونی و منطقی نخواهد داشت.





دیون مدیونین (موضوع ماده ۲۶۷ قانون مدنی) و مواردی که نماینده اجراء در مقام ولایت (الحاکم الوکی للمنتع) اقدام به انتقال مالی به محکوم له می نماید خلط نمود؛ در این موارد و موارد مشابه، موضوع مورد تعهد، علت غایی انعقاد قرارداد یا توافقات خصوصی نبوده، بلکه یک تعهد ساده است که اجرای آن هیچگاه در صلاحیت ثالث (اشخاصی غیر از متعاملین) نیست. در صورتی که در ایفای تعهد توسط شخص ثالث (در معنای اخص) مبنای غایی یک قرارداد، تعهد یا تعهداتی است که یک طرف به طور صریح پذیرفته و مبنای اساسی انعقاد آن قرارداد، فعل یا ترک فعلی است که وی بر ذمه پذیرفته است و در واقع، انعقاد چنین قراردادهایی، بدون وصف مزبور عملاً بی فایده خواهد بود. بدین سخن، این قراردادها که قانونگذار ایرانی در مواد ۲۲۲ و ۲۳۸ قانونی مدنی و قانونگذار فرانسوی مواد ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ قانون مدنی سابق و ماده ۱۲۲۲ اصلاحی کنونی مدنظر داشته است، فعل یا ترک فعلی (تعهد غیر پولی) بر متعهد قرارداد انگاشته شده است که وی ملتزم به ایفای آن در موعد مقرر خواهد بود. حال اگر در موعد مقرر، مبادرت به ایفای این تعهد نمود، متعهد برای به پایان رساندن موضوع قرارداد می تواند خود (در صورت امکان) و یا توسط شخصی دیگر (به حکم واحد اجراء) اقدام نماید و در نهایت، هزینه های این اقدام صورت گرفته (در امر اجرای تعهد) را از شخص متعهد مطالبه نماید (ماده ۴۷ ق.ا.ا.م.). بر این اساس، در این گفتار، جهت تبیین هر چه بهتر شرایط و آثار حقوقی ناظر بر ایفای تعهد توسط ثالث، ابتدا مناسب است مفاهیم مرتبط با آن نیز تشریح گردد تا فهم مطلب آسانتر جلوه نماید.

## ۱-۲- مفاهیم

از جمله مفاهیم مرتبط با نهاد «ایفای تعهد توسط شخص ثالث» در تعهدات قراردادی، مفاهیمی همچون «دین و تعهد»، «ایفای تعهد» و «شخص ثالث» خواهد بود که در ذیل به اختصار تشریح خواهند شد.

## ۱-۱-۲- مفهوم دین و تعهد

در متون حقوقی با اینکه «دین» و «تعهد» و در نتیجه «ایفای دیون» و «ایفای تعهد» با هم خلط شده و گاهی نیز به جای یکدیگر استعمال می شود، به نظر می رسد میان این دو تفاوت آشکاری باشد.<sup>۷</sup> شاید علت این اختلاط الفاظ مزبور به صبغه فقهی «دین» (جمع آن «دیون») باشد، در حالی که «تعهد» (جمع آن «تعهدات») در فقه اسلام موضوعیتی نداشته و ریشه در حقوق غرب

<sup>۷</sup> به عنوان شاهد حال، ر.ک. به: جعفری خسروآبادی، نصراله، «نظریه عمومی دیون در حقوق اسلام و مقایسه آن با حقوق غرب»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴. به عنوان نمونه، یکی از نویسندگان در شرح ماده (۱۹۶) ق.م. گفته است: «قراردادی که در آن به نفع ثالث، تعهد شده است، به طور مستقیم، متعهد را در برابر ثالث، مدیون می کند...» (خطیبی قمی، ۱۳۹۵: ۱۸۱) در حالی که می دانیم تعهد موضوع این ماده، منحصراً تعهدات مالی (پرداخت وجه نقد) نبوده و حسب مورد می تواند شامل انتقال و تسلیم مال (مطابق نص صریح ابتدای این ماده «کسی که معامله می کند...») و یا هر تعهد دیگری باشد. با این وجود، از لفظ مدیون به جای متعهد استفاده شده است که ریشه در احکام فقهی دارد. این نویسنده، همچنین در ادامه همین مطلب از «اجبار مدیون» به جای «اجبار متعهد» استفاده نموده است، در حالی که در الزامات غیر پولی، مناسبتر آن است که از لفظ «تعهد» و «متعهد» که به معنای الزام و ملزم است استفاده شود.



دارد. حقوقدانان جدید، اعتقاد بر این دارند که «دین» (آنچنان که فقهاء بیان داشته اند) به معنای مال کلی در ذمه بوده و مدیون - برخلاف متعهد - انجام فعل یا ترک فعلی را بر عهده ندارد، بلکه می بایست به دلیل ایجاد یک حکم وضعی که نشانه مدیونیت وی است (در مقابل تعهد که یک حکم تکلیفی است)، مالی را به طلبکار، مقرض یا متعامل تأدیه نماید (الجامع للشرایع و وسیله النجاه؛ نک. به: دانشنامه حوزوی و یکی فقه، ۱۴۰۰).<sup>۸</sup> شاید به همین جهت است که فقهاء از واژه «دین» بیشتر در باب «قرض» استفاده نموده اند (شرایع الاسلام، ج ۴: ۸۶۹، همان: ۸۸۴؛ المختصر النافع و فقه الامام جعفر الصادق، ج ۴) همچنین، در خصوص «تعهد» (التزام در ادبیات حقوقی، الموجب در ادبیات عرب و در obligation حقوق غرب) نیز گفته شده است که «تعهد، رابطه ای حقوقی است که به موجب آن، متعهدله (ذینفع تعهد)، می تواند از متعهد (متضرر تعهد)، انتقال یا تسلیم مال و انجام یا عدم انجام عملی را مطالبه نماید (دیلمی، ۱۳۹۸).<sup>۹</sup> همچنین، تفاوتی ندارد که سبب ایجاد تعهد، رابطه ای عقلی باشد و یا ایقاع و یا الزام خارج از قرارداد (کاتوزیان، ۱۳۷۶). در قانون مدنی ما، «تعهد» در معنای مصدری و اسم مفعولی بکار رفته است؛ مثلاً در مواد (۱۸۳) و (۲۲۱) در معنای مصدری و در مفهوم «عهده گرفتن برای انجام یا ترک انجام عمل است» و در مواد (۲۲۲) و (۲۲۶) در معنای اسم مفعولی و در مقام «تکلیف و وظیفه ای است که قانوناً بر عهده و ذمه شخص متعهد ثابت شده است». حقوقدانان اسلامی، «تعهد» را در لغت به معنای «عهد» (در نگهداری و مراعات پی در پی) معنا کرده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق.: ۵۹) و گاهی آن را «پیمانی که مراعات آن لازم است» معنا کرده اند (قرشی، ۱۳۷۱ ه.ش.) و در اصطلاح، آن را الزامی می دانند که انسان را وادار به انجام یکسری امور می کند (طریحی، ۱۴۱۶ ه.ق.). در حقوق فرانسه، به نظر می رسد «تعهد» یک مفهوم عام بوده و شامل «دیون» نیز می شود؛ چه آنکه یکی از حقوقدانان اسلامی در این باب، «تعهد» در حقوق فرانسه را «رابطه ای حقوقی میان دائن و مدیون» پنداشته است که البته آن را یک رابطه شخصی میان دو طرف عقد یا قرارداد می داند (عبدالرزاق احمدالسنهوری، ۱۳۹۴) در قانون تعهدات اصلاحی فرانسه (مصوب ۲۰۱۶)، قانونگذار فرانسوی بدون ارائه تعریف از «تعهد» فقط به منابع ایجاد (اعمال حقوقی، وقایع حقوقی و یا با تجویز قانون «ماده ۱۱۰۰ و ضمانت اجرای نقض آن (ماده ۲-۱۱۰۰) سخن گفته است. مطابق آنچه بیان گردید، واضح است که منظور ما در اینجا - به جهت ایفاء توسط متعهد یا ثالث - قسم اخیر یعنی «تعهد» خواهد و ایفای «دین». چرا که همانگونه که تبیین گردید، «دین»

<sup>۸</sup>- بر این اساس، باید چنین پنداشت که خسارت تأخیر تأدیه (موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م.) صرفاً در خصوص «دیون» مصداق دارد (از مدیون قابل مطالبه است) و از متعهد قابل مطالبه نیست و از ایشان، در صورت بروز خسارت قطعی و پیش بینی در قرارداد، از باب تعهدات قراردادی می بایست ضرر و زیان وارده را مطالبه نمود. همچنین، «دین» جزء با ابراء دائن یا ایفاء توسط مدیون ساقط نمی گردد، در حالی که در عالم حقوقی، «عسر و حرج» مسقط تعهدات است.

<sup>۹</sup>- شاید به همین جهت است که قانونگذار ما، از واژه «تعهد» در عقود استفاده کرده است که موضوع آنها «شرط» «التزام»، «عهده»، «عهد» و «ضمان» است مانند عقود ضمان، حواله، کفالت، بیع و اجاره (نک. به: جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۲۷، همو، ترمینولوژی حقوق، ش ۱۳۲۶، ص ۱۶۶ و کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۱۰۸).



مال کلی ای است که بر ذمه «مدیون» (ماده ۲۶۷ ق.م.ا) یا «مقروض» (ماده ۶۴۸ ق.م.ا) مستقر است و الزاماً به معنای ایفای فعل یا ترک فعل نیست، اما «تعهد» مصداقی عام است که می تواند شامل «دیون» و «قروض» نیز گردد.

## ۲-۱-۲- مفهوم ایفای تعهد

در فرهنگ های لغت، «ایفاء» مترادف «وفاء» آمده است. «وفاء» نیز به معنای ملازمت عهد و پیمان شمرده شده است (فرهنگ معین، ذیل مدخل وفاء). گفته شده است ایفای دین، همان وفای به عهد است و در واقع، ایفای دین همان عمل به مضمون تعهد است (دهقان دهنوی و سلطانی، پیشین). حقوقدانان معاصر، بدون ایجاد تفاوت در منشاء دیون (ناشی از اعمال حقوقی یا وقایع حقوقی)، در مقام «وفای به عهد» گفته اند: «اجرای تعهد، به معنای به جا آوردن التزامی است که مدیون «متعهد» بر عهده گرفته است؛ اعم از آنکه منشاء ایجاد تعهد، حکم قانون باشد یا امر دیگری» (نظرات موافق اساتید حقوق ایران، آقایان شهیدی و کاتوزیان «رضی»). بعضی از اصولیون، ایفای دین را همان اجرای تعهد پنداشته اند که به نظر، دیدگاهی صحیح و منطبق با ملزومات حقوق قراردادها در عصر کنونی است. به عنوان نمونه، علامه مظفر، گفته است: «لفظ تعهد یک لفظ عام است که شامل دیون هم می شود و وفای به عهد در بر دارنده اجرای اشتباه تعهد نیز خواهد بود» (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۶). در جایی دیگر، گفته شده است: «ایفای دین، به معنای اجرای تعهد است؛ اعم از آنکه این ایفاء، ایفای پول یا تسلیم مال یا انجام کار و یا ترک آن باشد» که به اعتقاد ما وفای به عهد (در معنای اعم) با این تعریف منطبق، لیکن اگر تعهد را از دین باز شناسیم و میان این دو، قائل به تفکیک باشیم، در این صورت، «ایفای تعهد را باید عملی دانست که به موجب آن، متعهد آنچه را که مطابق قانون، عمل یا واقعه حقوقی بر عهده گرفته است، می بایست انجام دهد» که این تعریف می توان تعریفی جامع از «ایفای تعهد» به حساب آید. چه آنکه قانونگذار ما، برای «ایفای دیون» از واژه «تأدیه» و برای «ایفای تعهدات» از ترکیب واژگان «وفای به عهد» سخن رفته است (بند ۱ ماده ۲۶۴ ق.م.ا. مقبوس از ماده ۱۲۳۴ ق.م.ف.). هر چند که نتیجه هر دو عمل می تواند یکسان باشد (ایفای دین و وفای به عهد) اما در مورد اول، برائت ذمه و در دیگری سقوط تعهد، رکن غایی خواهد بود؛ مثلاً وقتی شخصی مقداری پول به دیگری بدهکار است، گفته می شود به وی مدیون است و پس از پرداخت، می گویند که دین خویش را پرداخت و یا ذمه وی بری شده است لذا در باب تعهدات، گفته می شود وفای به عهد (التزام شخصی) و پس از ایفاء، از «وفای به عهد» که جنبه بارز «سقوط تعهدات» است سخن به میان خواهد آمد. همچنین، در فرض اول (ایفای دین) ایفاء می تواند از جانب غیر مدیون، ولو بدون اذن صورت گیرد (ماده ۲۶۷ ق.م.ا). که در این صورت، وافی (پرداخت کننده دین) حق رجوع به مدیون را نخواهد داشت (من اقدم علی شیء فهو ضامن له) هر چند که تعهد مدیون ساقط شده محسوب می شود و در واقع، ایفای دین هم محرز است، اما در قسم دوم (ایفای تعهد) مستند به مواد (۲۲۲)، (۲۳۷) و (۲۳۸) ق.م.ا و ماده (۴۷) ق.ا.م. ایفای تعهد از جانب دیگری (ثالث) نیاز به رعایت تشریفات و حکم مرجع قضایی است. همچنین، قانونگذار اسلامی در ماده (۵۳۴) ق.م.ا در خصوص ترک فعل از سوی عامل، چنین ایفایی را از سوی ثالث پیش بینی نموده است (مضمون این



ماده، تطابق زیادی با ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. دارد). همین رویه در حقوق فرانسه نیز مورد تصریح قرار گرفته است (مواد ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ قانون مدنی سابق و ماده ۱۲۲۲ ف.م. کنونی). ضمن آنکه آنچه از ماده (۲۳۸) ق.م.ا. قابل استقراء است «ایفای تعهد» (فعل یا ترک فعل) است و «ایفای دین» (تعهد پولی). بنابراین، بحث دخالت «شخص ثالث» (در فرض بحث ما در نوشتار حاضر) در ایفای تعهدات نیز ناظر به این مورد خواهد بود که در قسمت بعدی (بند ۲-۱-۳) تبیین خواهد شد.

### ۲-۱-۳- مفهوم شخص ثالث در قراردادها

آنچه را که نویسندگان حقوق از شخص ثالث در قراردادها معنا کرده اند، در واقع شخصی که جزء طرفین یک قرارداد نبوده و بدون آنکه نفع یا ضرری متوجه وی باشد، بعداً منشاء اثر خواهد شد. استفاده واژه «بعداً» در اینجا بدین سبب است که مطابق ماده (۱۹۶) ق.م.ا، قانونگذار تأثیر ثالث را به بعد از انعقاد عقد موکول نموده است (البته این نوع دخالت ثالث در قراردادها، موضوع اصلی بحث ما در نوشتار حاضر نخواهد بود) و یا مطابق مواد (۲۲۲)، (۲۳۸) و (۲۳۹) همان قانون، هیچگونه اثری از «ثالث» به هنگام انعقاد قرارداد نیست و بعدها و در اثر پیمان شکنی متعهد، دخالت وی جلوه خواهد نمود. در واقع، اگر که چنین نبود، در این صورت «ثالث» در مقام فرد بیگانه (نسبت به قرارداد) شمرده نمی شد و می بایست وی را از ارکان تشکیل دهنده یک قرارداد و اصیل آن توافق قلمداد نمود که در تطابق با ماده (۱۹۶) و قسمت ابتدایی ماده (۲۳۱) این قانون، چنین رویکردی قابل پذیرش نخواهد بود، چون نمی توان و نمی بایست که برای اشخاص خارج از قراردادها، تکلیف یا تعهدی را بدون رضایت و میل باطنی آنها ایجاد نمود. قانونگذار فرانسوی نیز همین رویه را در مواد (۱۱۴۳) و (۱۱۴۴) ق.م.ا سابق لحاظ نموده بود که البته در ماده (۱۲۲۲) ق.م.ا کنونی بدون ذکر صریح از لفظ «شخص ثالث» ایفای تعهد را توسط شخص «متعهدله» (با هزینه متعهد) مورد شناسایی قرار داده است، اما پرواضح است که در بسیاری مصادیق امکان ایفای تعهد از سوی متعهدله امکانپذیر نخواهد بود (مانند احداث ساختمان و نظایر آن). با این وجود، این مهم از ماده (۱۲۳۶) ق.م.ا این کشور در بحث پرداخت دین توسط ثالث، مورد تصریح قرار گرفته است؛ مطابق این ماده، شخص ثالث شخصی غیر از قائم مقام مدیون قلمداد شده است و واضح است که شخصی خارج از قرارداد و بدون داشتن نفع و سمت شخصی در قرارداد منجر به ایجاد دین، جهت سقوط تعهد مدیون بعداً وارد قلمرو قرارداد خواهد شد (در قسمت دوم این ماده آمده است: «... حتی ممکن است تهد از سوی شخص ثالثی که نفعی در قرارداد ندارد، اسقاط شود، مشروط به اینکه شخص ثالث به نام متعهد اقدام و تعهد وی را ساقط نماید یا اینکه اگر به نام خود اقدام می کند، قائم مقام متعهدله در مطالبه حقوق وی نباشد»). البته مسلم است که ایفای تعهدات در حقوق فرانسه (در فرض امتناع متعهد از ایفای به عهد)، نیز مانند مواد (۲۳۸) و (۲۳۹) ق.م.ا نمی بایست از جمله تعهدات قائم به شخص خاص و تعهداتی که شرط مباشرت در آن شده است باشد اما آنچه که محرز است، «شخص ثالث» اجرای تعهدات قراردادی (در فرض امتناع متعهد از وفای به عهد) قائم مقام طرفین در اجراء نبوده (رویه قضایی فرانسه و همچنین ماده ۱۱۴۲





ق.م. این کشور نیز بر همین امر استوار است. نک. به: دهقان دهنوی و سلطانی، پیشین<sup>۱۰</sup> و شخصی است که نسبت به انجام فعلی از سوی متعهد اصلی، وارد در مقوله ایفای تعهد خواهد شد (ترکمان و ایزانلو، ۱۳۹۵). آنچه آنکه گفته شد ایفای تعهد توسط ثالث شخصی غیر از متعهد است که با تراضی طرفین، به ایفای تعهد قراردادی قیام می کند (بند ۲ ماده ۲۹۲ ق.م.ا.). در واقع، در اینجا چون دخالت شخص ثالث در قلمروی تراضی قبلی طرفین خواهد بود، لذا رضای طرفین نیز لازم خواهد بود. پس، نمی توان که متعهدله را مجبور کرد که تبدیل متعهد و انتقال تعهد را به ذمه دیگری پذیرد (خطیبی قمی، پیشین) اما همانگونه که قبلاً گفته شد ایفای تعهدات پولی (دینی) نیازی به تراضی دائن و مدیون ندارند و فقط در بحث حق رجوع به مدیون دارای منشاء اثر است. در واقع، دخالت شخص ثالث در ایفای تعهد، چیزی جز تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون یا متعهد نمی توان باشد (بند ۲ ماده ۲۹۲ ق.م.ا. و ماده ۱۱۰۱ ق.م.ف. «مفهوماً» و بند ۲ ماده ۱۲۷۱ ق.م.ف. «منطوقاً» همچنین، ر.ک. به: Carbonner, 1956, n. 135 و Mazeaud, 1998, n. 1219 در حقوق فرانسه) به همین جهت، نمی توان وی را قائم مقام یا نماینده متعهد اصلی در نظر گرفت. در این خصوص، گفته شده است که منظور از شخص ثالث، شخصی متفاوت از قائم مقام است و در واقع، شخص ثالث شخصی است که نسبت به رابطه قرارداد میان متعهد و متعهدله بیگانه بوده و از قراردادی که میان طرفین منعقد گردیده، منتفع و متضرر نمی شود (امامی، ۱۳۹۱) در حالی که قائم مقام، شخصی است که در یک رابطه قراردادی، جانشین یکی از طرفین خواهد شد و به بدین سبب، انتقال حقی از دارای یکی از ایشان به وی، متأثر می گردد (شمس، ۱۳۹۷) آنچه آنکه قانونگذار ما در ماده (۱۹۶) ق.م. به آن اشاره رفته است.

## ۲-۲- ماهیت حقوقی ایفای تعهد از سوی ثالث

آنچه آنکه گذشت «تعهد»، یک رابطه حقوقی است میان دو یا چند شخص که به موجب آن، یکی از طرفین که متعهد است در برابری دیگری که متعهدله می باشد، به سببی از اسباب حقوقی، ملزم به انجام فعل، ترک فعل، تملیک و یا تسلیم مالی خواهد بود» (کاتوزیان، پیشین و ماده ۱۱۰۱ ق.م.ف.). بنابراین سخن، «ایفای تعهد» در اینجا اعم از آنکه توسط خود متعهد (مدیون) صورت گیرد یا توسط «ثالث» قانوناً نمی تواند چیزی جز «تبدیل تعهد» و در نتیجه، مسبب «سقوط تعهد» (دین) قلمداد گردد. چه آنکه قانونگذار ما در بند (۱) ماده (۲۶۴) ق.م. «وفای به عهد» را به عنوان رئوس سقوط تعهدات پنداشته است (ماده ۱۲۷۲ ق.م.ف.).

<sup>۱۰</sup> البته قانونگذار جدید فرانسوی، در ماده (۱۱۲۳) قانون تعهدات اصلاحی، از شخص ثالث نیز نام برده است که تصریحاً مشخص است که شخص خارج از قرارداد اصلی میباشد چرا که در قسمت میانی این ماده آورده است: «... چنانچه قراردادی برخلاف پیمان حق تقدم با شخص ثالثی منعقد شود، ذینفعی که متضرر شده است می تواند درخواست خسارت بنماید...» البته هر چند که شخص ثالث موضوع این ماده برابر با شخص ثالث مواد ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ قانون سابق و منطبق با مواد (۲۳۸) و (۲۳۹) قانون مدنی ما نیست، لیکن در این نکته که وی، شخص خارج از تراضی دو طرف بوده است، یقین وجود دارد چرا که وی، شخصی پنداشته شده است که از پیمان دو طرف در انعقاد یک قرارداد، متضرر شده است.



بنابراین، هرگاه شخص ثالث (با رعایت احکام قانونی مانند ماده ۲۳۸ ق.م.ا. و ماده ۱۲۲۲ ق.م.ف.) تعهدی را اجراء نماید، چنین وضعیتی موجب سقط تعهد پایه که تا پیش از آن بر عهده متعهد بوده است خواهد شد مانند احداث ساختمانی که متعهد، بر اجرای آن در حق متعهدله قبلاً بر عهده گرفته بود (ماده ۱۲۳۴ ق.م.ف.). حقوقدانان ما نیز به این امر صحنه نهاده و پذیرفته اند که وفای به عهد (ایفای تعهد) در فرضی که قائم به شخص نبوده و مباشرت متعهد نیز در آنها شرط نشده باشد، موجب سقوط تعهد اصلی شده و در نتیجه، ذمه متعهد در مقابل متعهدله بری خواهد شد (کاتوزیان، اعمال حقوقی: ش ۲۱۲؛ شهیدی، حقوق تعهدات: ش ۶۳ و خطیبی قمی، پیشین). بنابراین، ایفای تعهد توسط ثالث را ماهیتاً می بایست «تبدیل تعهد» (Transformation de l'engagement) (به اعتبار تبدیل متعهد) و نتیجه غایی آن را «سقوط تعهد» (Engagement en Baisse) دانست.

### ۳- شرایط اجرای تعهد از سوی شخص ثالث

مطابق آنچه از ایفای تعهد توسط ثالث بیان گردید که مصداق تبدیل تعهد خواهد بود، لذا جهت تحقق این مهم که ثالث به عنوان متعهد جدید وارد قلمروی تراضی سازندگان قرارداد می شود و عملاً مجری وفای به عهد، خویشتن خواهد بود، لذا شرایطی لازم است که در این گفتار به اختصار به آنها اشاره خواهیم نمود.

#### ۳-۱- نقض قرارداد از سوی متعهد

از جمله شرایط اساسی دخالت ثالث در ایفای تعهد از سوی متعهد، «نقض قرارداد» توسط متعهد است. منظور از نقض قرارداد نیز این است که متعهد به التزامی که داشته است (نسبت به مفاد قرارداد) پایبند نبوده و در نتیجه عهدشکنی وی، به متعهدله ضرر یا احتمال ورود ضرر در آینده محتمل باشد؛ البته ورود ضرر به متعهدله، شرط ایجاد نقض قرارداد و نتیجتاً دخالت شخص ثالث نیست، بلکه همین که قرارداد توسط متعهد نقض گردید، با جمع سایر شرایط، متعهدله، خود یا به توسط دیگری می تواند موضوع مورد توافق که تعهد قراردادی است را ایفاء نماید. این مهم از واژگان «عدم ایفای تعهد» در ماده (۲۲۲) ق.م.ا که به صراحت، امکان اجرای تعهد به وسیله خود متعهدله را مقید به عدم اجراء از سوی متعهد نموده است، ارجاع داده است (نک. به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸). بنابراین، ثالث، تنها زمانی می تواند به عنوان شخص بیگانه و به جای متعهد، به اجرای تعهد از سوی وی قیام کند که تخلف متعهد از اجرای تعهد به حکم مرجع قضایی احراز شده باشد (ماده ۴۷ ق.ا.ا.م.). در حقوق فرانسه نیز این مهم ابتدا در ماده (۱۱۴۴) ق.م.ا که مبنای تقنین ماده (۲۲۲) ق.م.ا نیز است، مورد اشاره قرار گرفته است. در این ماده از ق.م.ف.، آمده است که: «متعهدله، در موارد عدم اجراء، مجاز است که خود، تعهد را به هزینه متعهد انجام دهد». پس از این، قانونگذار فرانسوی، با تقنین طرح اصلاحی کاتالا (مصوب ۲۰۱۶) در بند (۲) ماده (۱۱۵۴) و ماده (۱۲۲۲) به این مهم به نحو دیگری اشاره رفته است. البته نویسندگان حقوقی ما قائل بر این هستند که قانونگذار پیشین فرانسه در مقایسه با قانونگذار فعلی، اختیار و صلاحیت متعهدله در اجرای تعهد را با محدودیت مواجه نموده است چرا که در این مواد (جدید) از واژگان «عدم



اجراء» سخنی به میان نیامده است (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین: ۵۹۵). بر این اساس، در بند (۲) ماده (۱۱۵۴) ق.م.ف. «اجازه اجرای تعهد به توسط خود» (بدون ذکر عدم اجراء از سوی متعهد و یا دخالت شخص ثالث) و در ماده (۱۲۲۲) به «شرایط قانونی اجرای تعهد از سوی متعهدله» اشاره شده است (مانند اخطار رسمی به متعهد، اجازه قبلی دادگاه جهت اجرای تعهد توسط متعهدله و مطالبه هزینه های اجرای تعهد) ولی در هر حال، به نظر می رسد در هر دو نظام حقوقی، بدون احراز نقض تعهد قراردادی، امکان اجرای مفاد قرارداد توسط متعهدله یا شخص ثالث وجود نخواهد داشت (جهت اثبات این ادعا در حقوق فرانسه، ر.ک. به: Vincelles, 2007: n. 143).

### ۳-۲- قابلیت اجرای تعهد از سوی شخص ثالث

یکی دیگر از شرایط اساسی اجرای تعهد از سوی شخص ثالث، قابلیت اجرای تعهد از سوی «متعهدله» است بدین معنا که تعهدات قائم به شخص یا تعهداتی که شرط مباشرت در آنها شده باشد، چون توسط خود متعهدله قابل اجراء نمی باشند، لذا توسط شخص دیگر نیز چنین قابلیتی نخواهند داشت. همچنین، این تعهدات باید از نوع تعهدات تعدد مطلوب (در مقابل تعهدات با وصف وحدت مطلوب) باشند چرا که با تعهدات مزبور، مقصود و مراد طرفین از انعقاد قرارداد، حصول شرایط و نتایجی است که در زمان مشخص و برای مدت محدود پیش بینی شده است. به عبارتی، این تعهدات (وحدت مطلوب) اگر در زمان پس از موعد قراردادی، اجراء شوند آن خاصیت و نفع ابتدایی که طرفین بر مبنای آنها تراضی نموده اند را نخواهند داشت؛ مثال مشهور این چنین تعهدات، «شام عروسی» است که قاطبه نویسندگان حقوقی ما به آن استناد نموده اند. البته مستند به ماده (۲۳۸) ق.م.ا (با امعان نظر در مواد ۲۳۴ و ۲۳۷) تفاوتی ندارد که موضوع مورد تعهد، فعل مثبت باشد (انجام عمل) یا فعل منفی (ترک فعل). بنابراین، هرگاه شرط شده باشد که متعهد می بایست یک فعل اثباتی و یا فعل نفیاً انجام دهد، و در این رهگذر، عهدی شکسته شود، در این فرض، امکان ورود ثالث به موضوع امکانپذیر خواهد بود. در خصوص قسم دوم بحث (ترک فعل) یکی از حقوقدانان ما چنین مثال زده اند که «هرگاه همسایه شخصی تعهد کند که دیوار منزل خویش را با بیش از ۳ متر ارتفاع احداث نکند، متعهدله در صورت تخلف همسایه و پس از الزام وی به تخریب ارتفاع مازاد بر ۳ متر، به حکم مرجع صالح، می تواند قسمت زائد را درخواست نماید و در صورت امتناع، خود شخصاً یا به توسط شخص ثالثی که در این کار، تخصص و توانایی دارد، تحت نظر دادگاه و با هزینه همسایه که متعهد موضوع بوده است، اقدام نماید» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹ به نقل از: شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین). البته هر چند که قانونگذار ما به این مهم اشاره نکرده است (شمس، پیشین) اما در سخن دیگر نویسندگان حقوقی به آن اشاراتی رفته است (رودیجانی، ۱۳۹۲). در حقوق فرانسه، اجرای تعهداتی از سوی متعهدله و ثالث، در هر دو گروه از افعال مثبت (انجام عمل) و منفی (ترک عمل) به حکم مواد (۱۱۴۳) و (۱۱۴۴) ق.م. سابق مورد پذیرش قانونگذار این کشور قرار گرفته بود. در قانون جدید، با امعان نظر در واژگان «آنچه که در جهت نقض تعهد صورت گرفته است...» در ماده (۱۲۲۲) و همچنین واژگان «... یا هر آنچه که بر خلاف آن صورت گرفته است...» در بند (۲)



ماده (۱۱۵۴) بکار رفته است، قائل به این شد، که انجام یا عدم انجام افعال، داخل در مقوله «قابلیت اجرای تعهد از سوی شخص ثالث» خواهند بود.

### ۳-۳- صدور حکم الزام به ایفای تعهد از سوی دادگاه

از دیگر شرایط اساسی، اجرای تعهد از سوی متعهدله و به تبع وی، «شخص ثالث» باید به ان تصریح نمود، «صدور حکم قضایی به الزام متعهد برای ایفای تعهد از سوی مرجع قضایی» خواهد بود. البته نباید از نظر دور پنداشت که این شرط، به عنوان قاعده کلی و عام الزامات قضایی برای ایفای تعهدات قراردادی است. بدین معنا که دادگاه پس از بررسی موضوع و احراز آن، به این اقناع خواهد رسید که اولاً: میان طرفین (متعهد و متعهدله) قراردادی (معتبر) وجود داشته است و همچنین این قرارداد (منظور مفاد آن است) توسط شخص متعهد، نقض گشته است، لذا در این وصف، مستند به قانون، اقناع وجدانی و انصاف و عدالت قضایی، ناگزیر باید حکم به محکومیت متعهد به اجرای آنچه را که قبلاً قصد کرده است و مورد قبول متعهدله گشته، بدهد (ماده ۴۷ ق.ا.م. نیز مدلولی غیر از این ندارد). مطابق حقوق فرانسه، متعهدله برای آنکه از امتیازات این شرط استفاده نماید، ابتدا باید اجرای تعهد را از متعهد مطالبه نماید و پس از خودداری وی از اجرای تعهد، خود یا شخص ثالث، آن را اجراء نماید (Brunet, 2013) بنابراین، صدور حکم الزام به اجرای تعهد از سوی دادگاه و احراز عدم تمکین متعهد به حکم، جهت رجوع به شخص ثالث برای اجرا موضوع تعهد، شرط لازم و ضروری تلقی خواهد شد (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین). البته این مهم نباید از نظر دور افتد که هرگاه، موضوع تعهد (شرط فعل) از جمله افعال غیرمقدور باشد، امکان اجبار متعهد به ایفای آن، منطقاً و عقلاً ممکن نخواهد بود و در نتیجه فرض اجرای آن توسط متعهدله و متعاقب وی، شخص ثالث، نیز موضوعاً منتفی خواهد بود (ماده ۲۳۸ ق.ا.م.). زیرا در حالتی که اجرای تعهد مقدور نباشد (حتی به سبب وقایع قهری مانند سیل، طوفان و غیره) امتناع مشروط علیه وجه قانونی دارد و چنین امتناعی در واقع به حکم قانون است و در چنین مواقعی نمی توان دخالت شخص ثالث را مطالبه نمود چرا که در این مواقع، اساساً تعهدات ساقط است، اما اگر ایفای تعهد از سوی متعهد، جنبه ایذاء، عمد، لجاجت و استناد غیر صحیح به قوه قاهره و امثال اینها باشد، مصداقی از امتناع و عهدشکنی است و در این وصف، متعهدله می تواند با مراجعه به دادگاه، الزام وی به اجرای تعهد را بخواهد.

### ۳-۴- تجویز دادگاه (صدور مجوز قضایی)

یکی دیگر از شرایط اجرای تعهد توسط متعهدله و مداخله شخص ثالث در ایفای آن (وفای به عهد یا سقوط تعهد به طور کلی)، تجویز دادگاه (در ترجمه متن فرانسوی از رویه قضایی «نک»: به: شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین) و صدور حکم توسط دادگاه (مطابق مفهوم ماده ۴۷ ق.ا.م.) مستنبط است. در حقوق ما، پس از امتناع متعهد که پس از ختم رسیدگی قضایی و صدور حکم مبنی بر محکومیت (به ایفای تعهد) «محکوم علیه» نامیده می شود، متعهدله، برای دستیابی به اجرای تعهد از سوی شخص ثالث، محکوم له صرفاً تحت نظر مأمور اجرای احکام مدنی می تواند از اجرای ثالث بهره مند گردد (با لحاظ





ماده ۲۲۲ ق.م.ا. البته به نظر می رسد نیازی نیست در حین رسیدگی قضایی (مبنی بر تخلف متعهد از ایفای تعهد) عنوانی از شخص ثالث باشد، بلکه حتی در مرحله اجراء، خودی متعهدله یا با کمک شخص دیگری که ثالث نامیده می شود، مدلول حکم را به موقع اجراء نماید و از این حیث، خللی به صحت حکم قضایی وارد نخواهد بود. ضمن آنکه مطلوب عدلات قضایی نیز چیزی جز اجراء صحیح، فوری و کامل احکام و دستورات قضایی نیست و از این حیث، نحوه و کیفیت اجراء نیز موضوعیتی نخواهد داشت (مهاجری، ۱۳۹۳). در حقوق فرانسه، مجوز قضایی در قانون سابق (مصوب ۱۸۰۴ م) مورد تصریح قانونگذار فرانسوی قرار نگرفته بود و از رویه قضایی این شرط برای اجراء موضوع تعهد توسط شخص ثالث (در واقع، ورود ثالث به قلمرو توافق قراردادی) قابل استقراء بود. هر چند که مطابق رویه قضایی کنونی (خصوصاً تا پیش از تصویب قانون جدید) متعهدله برای اعمال ماده (۱۱۴۴) ق.م.ا. مجوز قضایی را لازم می دانست که با تقریر جدید (خصوصاً ماده ۱۱۵۴ و بند دوم آن) که اخطار رسمی توسط متعهدله (به متعهد) پیش بینی شده است، لزوم مداخله دادگاه در موضوع مورد اختلاف را ضروری دانسته است ضمن آنکه در این ماده، قانونگذار فرانسوی از واژه «اجازه» نیز استفاده نموده است. با این حال، دکترین جدید فرانسه، اعتقاد بر این دارند که در شرایط اضطراری، متعهدله می تواند بدون اخذ مجوز قضایی، اجراء تعهد به وسیله شخص ثالث را به دست آورد که البته این مهم، تنها در تعهدات به فعل (مثبت) قابل اجراء است و شامل ترک فعل (تعهدات منفی) نخواهد بود (نک. به: شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین: ۶۰۲ و در حقوق فرانسه Picod, 2011). البته به نظر می رسد مطابق آنچه که فلسفه وضع و تدوین قانون تعهدات اصلاحی (مصوب ۲۰۱۶) فرانسه قابل مشاهده است، ضرورت تجویز قضایی برای اجراء تعهد قراردادی از سوی متعهدله در تعهدات به انجام فعل، برداشته شده است چرا که ماده (۱۲۲۲) فرضی را پیش بینی کرده است که خود متعهدله نتواند در زمان معقول و با هزینه معقول، تعهد را اجراء نماید. مفهوم مخالف این مهم آن است که اگر خود متعهد (یا ثالث) بتواند با هزینه و زمان معقول، موضوع تعهد را اجراء نماید، در این صورت دیگر نیازی به مجوز قضایی (اجازه دادگاه) نخواهد بود و در پایان امر، از محل تضمینات قراردادی (اگر وجود داشته باشد) هزینه های اجرایی را کسر (تہاتر) نماید و در اگر تضمینی از قبل وجود نداشته باشد، نسبت به مطالب این هزینه ها اقدام نماید. اما به نظر می رسد «ارسال اخطار رسمی» (به حکم صدر ماده ۱۲۲۲ ق.م.ف.) برای اطلاع متعهد در هر حال توسط متعهدله الزامی خواهد بود. در حقوق ما باید خاطر نشان کرد که به نظر می رسد در هر حال، صدور مجوز قضایی برای ایفای تعهد توسط شخص متعهدله (به جای متعهد و مطالبه هزینه های اجرایی) و یا مداخله شخص ثالث در این موضوع، الزامی و ضروری خواهد بود. هر چند نظر خلاف نیز در بعضی موارد و مسائل حقوقی از سوی بهضی نویسندگان حقوقی ابراز شده است؛ به عنوان مثال، در بحث تقلیل خسارت (موضوع ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶) یا ماده (۴) قانون مسئولیت مدنی، گفته شده است اقدام فوری متعهدله (بدون داشتن مجوز قضایی) نه فقط به نفع وی است، بلکه با منافع متعهد نیز همسو و مقارن است، لذا عدم اقدام فوری موجب افزایش هزینه های خواهد شد و بهتر آن است که جهت برچیدن هزینه های بیشتر، متعهدله، خود فوراً اقدام به



انجام تعهد نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۰۶). در فقه اسلام نیز، قاعده «دفع ضرر مظنون» نیز در همین رابطه است. مطابق این قاعده، برای جلوگیری از ضرر، واجب و ضروری است که متعهد در زمانی که عدم پیشگیری از بروز ضرر، احتمال قوی دارد، خود فوراً اقدام مناسب را مبذول دارد (عراقی، ۱۴۰۵ ه.ق. و غروی نائینی، ۱۳۶۵ ه.ش. و خویی، ۱۴۱۷ ه.ق.).

#### ۴- آثار اجرای تعهد از سوی شخص ثالث

اجرای تعهد از سوی شخص ثالث در واقع همان اجرای عین تعهد از سوی متعهد است، لذا بر این امر، آثاری مترتب است که بر اهمیت و ضرورت این بحث، بیش از پیش وارد خواهد بود؛ مانند سقوط تعهد متعهد، الزام به پرداخت هزینه های اجراء از سوی متعهد، آزادی تضمین های قراردادی و البته توقّف محاسبه خسارت تأخیر در انجام تعهد که در ذیل به اختصار هر چهار اثر مبرور تبیین خواهند شد.

#### ۴-۱- سقوط تعهد متعهد

از آنجا که اثر اصلی ایفای تعهد توسط متعهد، «سقوط تعهد» است، لذا هر گاه موضوع تعهد توسط ثالث انجام شود، همین اثر بر آن مترتب است. همچنین، گفته شده است که هر گاه ثالث، موضوع تعهد را ایفاء نماید، متعهد از تعهد ناشی از قرارداد فی مابین او متعهدله، به طور کلی، بری الذمه خواهد شد (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین). در واقع، از آنجا که هدف اصلی متعهدله، رسیدن به اجرای کامل تعهد است، هنگامی که خصوصیت یا موضوعیت خاصی مدنظر وی نباشد، با اجرای تعهد توسط ثالث، وی به مطلوب و مُراد خویش رسیده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴). بنابراین، مستنبط از قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی و نظرات دکترین حقوقی، می توان به این نتیجه رسید که متعهدله، می تواند از طریق متعهد یا شخص ثالث به هدف و نفع خویش برسد بی آنکه به اموال وی ضرری وارد آید و یا قرارداد منعقد شده توسط وی بی نتیجه مانده باشد و یا آنکه اساساً مطلوب غایی وی محقق نشده باقی مانده باشد. در حقوق فرانسه، از آنجا که ماهیت اجرای تعهد از جانب شخص ثالث در فرض نقض تعهد از سوی متعهد، اجرای عین تعهد شناخته شده است (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین)، لذا با اجرای تعهد به وسیله شخصی از متعهد، همان تعهدی که بر ذمه متعهد مستقر بوده است، به مرحله اجراء در آمده و تعهدی وی، نتیجتاً ساقط می شود (Whittaker & Cartwright, 2017).

#### ۴-۲- پرداخت هزینه های اجراء از سوی متعهد

اثری دیگری که بر اجرای مفاد قرارداد (از حیث تعهدات) توسط خود متعهدله یا شخص ثالث (به جای ایشان و با حکم دادگاه) متصور است، پرداخت هزینه های اجراء توسط متعهد است که البته این شرط، با توصیف «الزام به جبران خسارت» یا «الزام به پرداخت هزینه های اجرای تعهد» مقارن خواهد بود. در واقع، برای دستیابی به کمال تعهدات، متعهدله ناگزیر خواهد بود که هزینه هایی را متقلّ شود که تا پیش از این و مطابق تراضی ابتدایی، قانونا بر عهده طرف مقابل یعنی متعهد نهاده شده بود اما بر اثر نقض قرارداد و عهدشکنی متعهد، اکنون وی بر عهده گرفته است که در این فرض، قانون این حق را به وی داده است



که پس از اجرای کامل موضوع تعهد، کلیه هزینه های مربوطه را از متعهد مطالبه نماید (جمع مواد ۲۲۲ و ۲۳۸ ق.م.، ماده ۴۷ ق.ا.ا.م. و ماده ۳۴ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء ... مصوب ۱۳۸۷). البته قانونگذار در راستای حمایت از چنین متعهدلهی، این اختیار را به وی اعطاء نموده است که از حمایت قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (مصوب ۱۳۹۴) و تقریر مصرح در ذیل ماده (۴۷) ق.ا.ا.م. برخوردار شود؛ در قسمت پایانی این ماده، آمده است که «وصول هزینه های یادشده (منظور، هزینه هایی است که متعهدله به جای متعهد، در راستای اجرای تعهد تقبل نموده است) از محکوم علیه، به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است»، لذا در صورت لزوم، با بیازداشت اموال محکوم علیه و فروش آنها، قابل وصل خواهد بود (شمس، همان: ۷۱۴). بنابراین، امکان حبس محکوم علیه، بابت وصول هزینه های یادشده نیز وجود دارد (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین) چرا که ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (مصوب ۱۳۹۴) از استیفای محکوم به به عنوان یک حکم کلی سخن به میان آورده است و در بحث مانحن فیه نیز، اجرای تعهد از سوی شخص ثالث، به هزینه متعهد، در حقیقت، نوعی استیفای محکوم به خواهد بود. در حقوق فرانسه، این مهم در ماده (۱۱۴۴) ق.م. سابق و ماده (۱۲۲۲) ق.م. جدید، به صراحت اشاره شده است. در این دو ماده، بیان شده است که «متعهدله، می تواند محکومیت متعهد را به هزینه های اجرای تعهد از سوی شخص ثالث را به صورت پیش پرداخت یا بازپرداخت از دادگاه مطالبه نماید» (Essie de Kelle, 2017: n. 6). با تدقیق در این دو ماده و مواد مذکور در حقوق ایران، می به دو نکته مهم اشاره نمود؛ اول آنکه دادرس فرانسوی در محکومیت متعهد به پرداخت هزینه های اجرایی، ظاهراً بیش از دادرس ایرانی در قضایای مشابه است چرا که ماده (۴۷) ق.ا.ا.م. چنین نگاشته شده است که پرداخت هزینه های اجرای تعهدات، ابتدائاً بر دوش متعهدله است، سپس و پس از ایفاء، امکان الزام متعهد به پرداخت آنچه ایفاء شده است وجود خواهد داشت، در حالی که در حقوق فرانسه، متعهدله، پس از احراز نقض قرارداد توسط متعهد و اخطار رسمی به وی، این امکان را خواهد داشت که از متعهد، هزینه های اجرای تعهد را به شکل پیش پرداخت مطالبه نماید. دوم آنکه، در حقوق فرانسه، هر چند که هزینه های اجرای تعهد از سوی ثالث بر عهده متعهد است، اما اصولاً در قراردادهای معوض که فرض نفع طرفین در میان است، چنانچه اجرای تعهدات هم زمان باشد (مانند تسلیم مبیع و ثمن در مقابل یکدیگر)، متعهدله نیز ملزم به پرداخت مبلغ مندرج در قرارداد است، در حالی که چنین فرضی در حقوق ایران (لااقل مطابق قانون) وجود ندارد، اما این نظر می توان در حقوق ایران هم مورد قبول باشد. بنابراین، این ضرورت محسوس خواهد بود که چنین مبلغی از سوی متعهدله در صندوق دادگستری تودیع شود و اگر که چنین پرداختی از سوی متعهدله، مؤخر بر ایفاء تعهد باشد، در این فرض، پرداخت کلیه هزینه های اجراء از سوی ثالث به عهده متعهد خواهد بود.

#### ۴-۳- آزادی تضمین های تعهد

از دیگر آثار مترتب بر اجرای تعهد از سوی «متعهدله» و «شخص ثالث»، آزادی کلیه تضامین قراردادی است که توسط متعهد، قبلاً به متعهدله اعطاء شده است؛ اعم از وثیقه عینی، ضمان قراردادی و غیر آن (قاسمی، ۱۳۸۶).



واضح است که در بسیاری از قراردادهای طرفین به منظور حسن اجرای کامل و دقیق مفاد قرارداد (خصوصاً در تعهداتی به وسیله) همواره بر این نظر اعتقاد دارند که تضمین خاصی برای این امر اختصاص داده شود و قرار بر آن گذاشته می شود که بلافاصله پس از ایفای کامل تعهد (وفای به عهد) از تضمین های مزبور رفع اثر خواهد شد. لذا هرگاه متعهد یا شخص دیگری به جای ایشان (در اینجا شخص ثالث) به این مهم قیام نماید، چون موجب برائت ذمه وی شده و تعهد اصلی ساقط می گردد، لذا تضمین اعطایی به متعهدله دیگر قابلیت کارسازی و اثرگذاری نخواهد داشت چرا که متعهدله به مراد و مطلوبی غایی خویش رسیده است. همچنین، لزومی نیز وجود ندارد که مجری وفای به عهد یا ایفای تعهد، شخص متعهد یا هر شخص دیگری باشد؛ در هر حال، متعهدله به هدف اصلی خود خواهد رسید. در این خصوص نیز در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه نمی توان به اختلاف دیدگاه یا نظریه خلاف دست یافت.

#### ۴-۴- توقف محاسبه خسارت تأخیر انجام تعهد

آخرین اثری که بر ایفای تعهد توسط شخص ثالث بر اصل قرارداد (فیمابین متعهد و متعهدله) مترتب است، «توقف محاسبه خسارت تأخیر انجام تعهد» است؛ چرا که مطابق ماده (۵۱۵) قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) «متعهدله، می تواند جبران خسارت ناشی از تأخیر انجام تعهد را از متعهد مطالبه نماید» حال آنکه دیگر تعهدی باقی نمانده است که چنین حقی برای متعهدله متصور باشد. بنابراین، با پایان یافتن انجام تعهد، محاسبه خسارت تأخیر اجراء که اصولاً به صورت روزانه محاسبه می گردد، متوقف خواهد شد. همچنین، در فرضی که شخص ثالث پس از نقض تعهد از سوی شخص متعهد، و به هزینه وی، تعهد را اجراء می کند، محاسبه خسارت یادشده متوقف می شود؛ چرا که اجراء از سوی شخص ثالث، موجب سقوط تعهد شده، و از این طریق، متعهدله به اجرای اصل تعهد دست خواهد یافت (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، پیشین). با مذاقه در حقوق فرانسه، این اثر را می توان از رویه قضایی این کشور به طور وافر و ماده (۶-۱۲۳۶) قانون تعهدات اصلاحی (مصوب ۲۰۱۶) استنباط نمود (نک. به: کریمی و بهرامپوری، ۱۳۹۹ و الهویی نظری و مقدادی، ۱۳۹۹).<sup>۱۱</sup> انصاف و عدالت قضایی نیز ایجاب می کند در فرضی که دیگر ذمه ای مشغول نیست و در واقع، تعهدی باقی نمانده است، خسارتی پرداخت نشود؛ نه به عنوان خسارت تأخیر تأدیه، نه به عنوان وجه التزام کیفری و نه با هیچ عنوان دیگر. البته نباید از این نکته غافل ماند که اگر هزینه های اجرای تعهد، بیش از آنچه در قرارداد پیش بینی شده است یا بیشتر از مبلغ تضمین ها قراردادی می باشد، ناگزیر باید به الزام و محکومیت متعهد به جبران کلیه این هزینه ها حکم داد.

<sup>۱۱</sup> - جهت مطالعه تفصیلی در این خصوص، ر.ک. به: میرزائزاد جویباری، اکبر و خشنودی، رضا، «خسارت تأخیر تأدیه در رویه قضایی با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه»، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشگاه قوه قضاییه.





## ۵- نتیجه گیری

با تطبیق دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، در بحث دخالت شخص ثالث به جای متعهدله در مقام ایفای تعهد، در فرضی که متعهد وفای به عهد نکرده و متعهدله به ناچار برای استیفای حقوق حقه خویش به دادگاه مراجعه و نهایتاً مستند به حکم (مجوز) دادگاه، شخص دیگری ایفای تعهد نموده است، به طور خلاصه می توان به نتایج ذیل دست یافت:

یک- در هر دو نظام حقوقی، الزاماً قرارداد (پیمان، عهد، توافق یا هر عنوان دیگر) می بایست توسط متعهد نقض شده باشد یعنی متعهد به اختیار خویش (ولو با تأخیر) نسبت به اجراء مفاد قرارداد و تعهدات ناشی از آن، هیچگونه اقدامی (ولو ناقص) نکرده باشد.

دو- مطابق هر دو نظام حقوقی، اصولاً متعهدله برای دخالت شخص ثالث و حتی اجرای مفاد قرارداد توسط خویشتن، نیاز به مجوز قضایی دارد؛ البته در حقوق فرانسه با اجرایی شدن قانون جدید (مصوب ۲۰۱۶) این شرط با تغییرات همراه گشت که دست متعهدله را برای اجرای تعهد (مشخصاً افعال مادی مثبت) با آزادی عمل بیشتری مواجه کرد که جا دارد قانونگذار ایرانی نیز چنین رویه ای در پیش بگیرد تا مشقت بیشتری برای متعهدله که طبیعتاً از عهدشکنی متعهد ناخشنود شده و مسلماً متضرر نیز شده است پیش نیاید. ضمن آنکه، طبیعی است که از زمان طرح دعوی الزام به ایفای تعهد (از سوی متعهدله) تا صدور حکم قطعی توسط دادگاه (مبنی بر محکومیت متعهد) و همچنین، دستور اجراء، زمان نسبتاً زیادی طی شده است که اصلاً مطلوب متعهدله نخواهد بود.

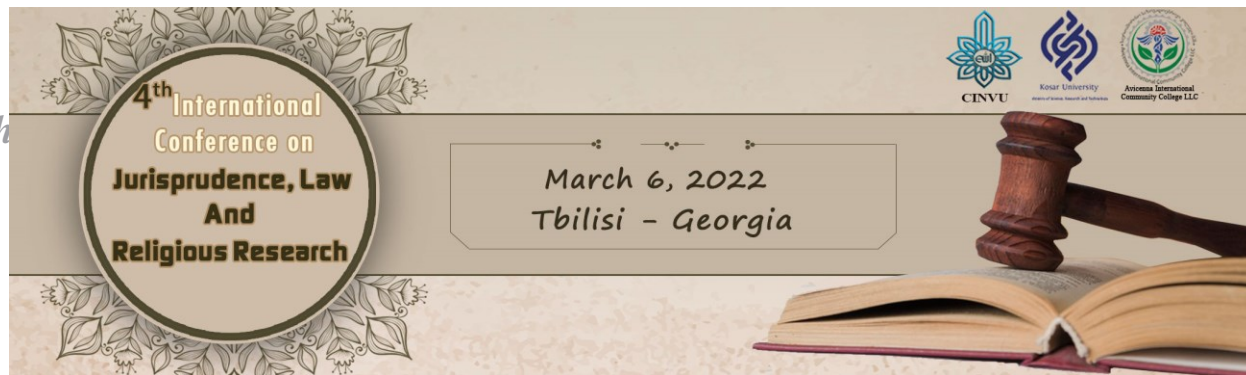
سه- در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، اجرای تعهد از سوی شخصی غیر از متعهد، در فرض نقض قرارداد از سوی وی (به عنوان شرط لازم) و متعاقباً صدور حکم به الزام وی و عدم حصول نتیجه، آنچه که شخص ثالث بر عهده گرفته است و اجراء می نماید، اجرای عین تعهد خواهد بود که نتایجی به دنبال خواهد داشت که در فرض اجرای تعهد از سوی متعهد پیش می آمد مانند سقوط تعهد، آزادی تضمین های قراردادی، توقف پرداخت خسارت تأخیر تأدیه و پرداخت های هزینه های اجراء. چهار- برخلاف حقوق ایران، قانونگذار فرانسه و رویه قضایی این کشور، در موارد ضروری و مهم، مجوز قضایی را شرط لازم برای اجرای تعهد توسط متعهدله یا شخص ثالث لازم ندانسته است که البته در حقوق ایران، این شرط به صورت بسیار مبهم در بعضی قوانین مانند ماده (۴) قانون مسئولیت مدنی و ماده (۱۵) قانون بیمه مورد اشاره قرار گرفته است، ولی به طور کلی از مواد مرتبط در قانون مدنی (مانند مواد ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی و ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی) چنین موضوعی قابل استنباط نمی باشد.



## ۶- منابع و مأخذ

### ۱-۶- منابع فارسی و عربی

- الهویی نظری، مهدی و مقدادی، محمدمهدی، «زیان تورم و تلف منافع پول در خسارت تأخیر تأدیه و تطبیق با حقوق کامن لا و فرانسه»، نشریه حقوق تطبیقی، جلد ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- امامی، سیدحسین، ۱۳۹۱، «حقوق مدنی»، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، نشر اسلامیه.
- احمد السنهوری، عبدالرزاق، ۱۳۹۴، «دوره حقوق تعهدات» (الوسیط فی شرح القانون المدنی)، ترجمه سیدمهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه قم.
- بزرگمهر، امیرعباس و مهرانی، غزال، ۱۴۰۰، «اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه»، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه عدالت.
- ترکمان، حسین و ایزانلو، محسن، «ضمانت اجرای قراردادی تعهد به فعل ثالث»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین المللی، دوره ۹، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، «دوره حقوق مدنی - حقوق تعهدات»، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۴، «اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
- خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۷ ه.ق.، «مصباح الاصول»، جلد دوم، چاپ دوم، قم، انتشارات داوری.
- دهقان دهنوی، نادر و سلطانی، محمدرضا، «نگاهی تحلیلی به ایفاء تعهد توسط ثالث به عنوان استثنائی بر اصل نسبی بودن قراردادها»، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۷.
- دیلمی، احمد، «کالبد شناسی مفهوم تعهد»، نشریه دانشنامه های حقوقی، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه.ق.، «المفردات فی غریب القرآن»، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، شام و بیروت، مطبعه دارالعلم و دارالشامیه.
- رودیجانی، محمدمجتبی، ۱۳۹۲، «تفسیر جامع قانون اجرای احکام مدنی»، چاپ اول، تهران، نشر کتاب آوا.
- شعاریان ستاری، ابراهیم و باحجب عظیمی، سئودا، «حکم الزام متعهد به ایفاء عین تعهد و اجرای آن از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۷، «اجرای احکام مدنی»، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر دراک.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۷۵، «مجموعه مقالات حقوق مدنی»، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۳، «آثار قراردادها و تعهدات»، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۹۵، «سقوط تعهدات»، جلد پنجم، چاپ دهم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.



- طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، به تحقیق و تصحیح سید احمد حسینی، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، نشر و کتابفروشی مرتضوی.

- عراقی، شیخ آقا ضیاء، ۱۴۰۵ ه.ق.، «نهایه الافکار»، جلد سوم، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

- غروی نائینی، محمدحسین، ۱۳۶۵ ش، «فوائد الاصول»، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، «دوره حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها»، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر یلدا.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، «الزام های خارج از قرارداد»، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۳، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ چهارم، ویرایش پنجم، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴، «دوره حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها»، جلد چهارم، چاپ نهم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار.

- کریمی، عباس و بهرامپوری، رسول، «مطالعه تطبیقی ماهیت ضمان ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات پولی در حقوق ایران و فرانسه»، نشریه پژوهشهای حقوق تطبیقی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹.

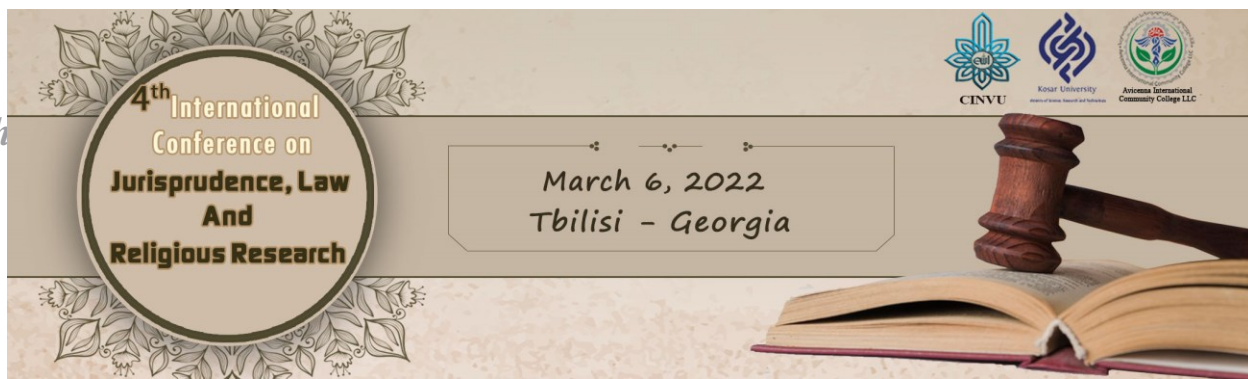
- قاسم، محسن، «آثار ایفاء در تعهدات قراردادی»، نشریه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۲۶.

- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱ ش، «قاموس القرآن»، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- مهاجری، علی، ۱۳۹۳، «شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی»، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات فکرسازان.

## ۶-۲- منابع لاتین (فرانسوی)

- Aubert de Vincelles, Carole, (2007), Bail, Rép. Civ, Dalloz, Paris.
- Brunet, Nicolas, (2013), L'Exécution Forcée, Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne.
- Essie de kelle, Maître, (2017), L'exécution forcée en nature: Que dit la réforme de droit des contrats.
- Picod, Yves, (Janvier 2009), Obligations, Rép, civ. Dalloz, Paris.



## Terms of Fulfillment of the Obligation by a Third Party in the Law of Iran and France with Emphasis on the Amended French Civil Code Adopted in 2016

Kamel Hamid<sup>1</sup>, Dr. Ahmad Yousefi Sadeghlou<sup>2</sup>

1- PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Qeshm International Branch

2-Professor; Faculty member of Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran

### Abstract:

According to the "principle of relativity of contracts", private agreements of individuals are effective only among themselves and in principle do not create any rights or obligations for third parties outside the contract. However, due to the importance of contractual obligations, the domestic legislators of many countries have provided for an institution so that if the obligor fails to fulfill his obligation, the person or persons outside the contract will be able to fulfill the obligation instead. Be a committed person. Our legislator refers to this issue in Article 238 of the Civil Code, with the influence of the French legislature. In addition, Article (47) of the Civil Judgments Enforcement Law emphasizes the fulfillment of contractual obligations by a third party. According to this interpretation, whenever the obligor violates the covenant, the obligor (beneficiary of the obligation) can file a lawsuit (obligation to fulfill the obligation) and obtain a court license and only by himself or by a third party who has no interest or position in the contract Execution costs, execute the subject of the obligation and then demand executive costs from the obligor. In this article, which has been compiled in a library method and with reference to materials related to this institution in the two legal systems of Iran and France, we will conclude that the fulfillment of an obligation by a third party is inherently a "failure to commit" and leads to innocence. The obligation of the obligor will be from the fulfillment of the principle of obligation, but in parallel with the fall of the obligation, it will cause the employment of his obligation in relation to the costs of fulfilling the obligation; In addition, the performance of the obligation by the third party will have effects such as "release of the committed guarantees" (due to the fall of the main obligation) and "stopping the calculation of the compensation for the delay in fulfilling the obligation".

**Keywords:** contractual obligations, obligee, obligee, performance of obligation, breach of obligation, third party performance, obligation of the obligee.